

# گویش کجور

(در تاریخ و ادبیات ایران)

ابوالقاسم پاشازانوسی

|                     |                                   |
|---------------------|-----------------------------------|
| عنوان و نام پدیدآور | : گویش کجور، ابوالقاسم پاشازانوسی |
| مشخصات نشر          | : کلام مسعود، ۱۳۹۰                |
| مشخصات ظاهری        | : ۹۰ ص                            |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۹۸-۳۲-۸               |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیا                             |
| موضوع               | : کجوری                           |
| رده بندی کنگره      | : ۱۳۹۰ پ ۲۱ / م ۳۲۶۹ PIR          |
| رده بندی دیویی      | : ۴۹۰                             |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۲۳۸۸۲۶۳۰                        |

|                             |                 |
|-----------------------------|-----------------|
| نام کتاب:                   | گویش کجور       |
| مولف:                       | پاشازانوسی      |
| ناشر:                       | کلام مسعود      |
| تیراژ:                      | ۱۰۰۰            |
| امور کامپیوتر و صفحه آرایی: | مژده دیلم صالحی |
| نوبت چاپ:                   | اول             |
| قیمت:                       | ۷۰۰۰۰ ریال      |

حقی چاپ برای ناشر محفوظ است

## فهرست مطالب:

- بخش اول: گویش محلی ..... ۱
- بخش دوم: گویش محلی کجور در تاریخ و ادبیات کهن ..... ۲۷
- بخش سوم: تصاویر ..... ۶۵

www.ketab.ir

بزرگی گفت: «فقر انسان را به حرکت درمی‌آورد؛ احساس فقر است که انسان را به حرکت درمی‌آورد. این احساس نیاز است که انسان را به حرکت درمی‌آورد نه نیاز.» این نیاز ممکن است مادی، معنوی، فرهنگی و یا اجتماعی باشد.

زبان مانند آب برای انسان حیاتی است و بدون آن گنگ و لال خواهیم بود. حتی هنر که زیباترین خلقت بشر است، آفرینش زبان است و تمام هستی و هویت بشر توسط زبان انجام می‌گیرد. چنان است که گویی اگر زبان نباشد ما نیستیم.

سوال این است اگر زبان نباشد ما چیستیم؟

در زمانی که تمام ابزارهای ارتباطی، صوتی و تصویری غیر از زبان ما و از زبان بیگانه است حفظ زبان خود یک ضرورت است. حداقل این که اگر نتوانستیم آن را رشد و ارتقاء دهیم آنچه که هست را حفظ کنیم تا از زبان فرود. کمبود منابع زبان یا گویش ما در جامعه بخصوص در غرب مازندران و بالاخص در منطقه کجور<sup>۱</sup> ما که خود ساکن روستای زانوس<sup>۱</sup> هستیم و به این زبان گب می‌زنم را براین داشت که به دنبال ریشه زبان خود بروم و تا بفهمم در بین زبان و گویش‌های مختلف اقوام ایرانی جایگاه زبان ما کجاست و چرا تاکنون چندان توجهی بدان نشده است؟ و چرا حداقل کاری که قابل توجه باشد و بتوان به عنوان منبع این زبان و گویش از آن استفاده کرد، وجود ندارد و یا اگر وجود دارد شناخته شده نیست؟

در ابتدای کار سعی نمودم از منابع و کتاب‌هایی که مورد قبول همگان باشد، استفاده کنم؛ به‌همین دلیل از کتاب‌های شناخته شده و معتبر که اعتبار و پشتوانه فرهنگی ماست، مانند شاهنامه‌ی فردوسی، مثنوی و دیوان شمس مولوی، تاریخ ایران باستان حسن پیریا (مشیرالدوله) و کتاب و دیوان‌های دیگر بزرگان این آب و خاک در حد توان استفاده نمودم. شاید این کار مقدمه‌ای شود برای کار بزرگتر و از بزرگان و اندیشمندان این خطه انتظار هست که یار و راهنمای ما باشند.

نوشتار حاضر تلاشی است برای ریشه‌یابی و حفظ زبان یا گویش محلی مازندرانی، بخشی از غرب مازندران در منطقه‌ی کجور که ریشه و سابقه تاریخی این زبان در تاریخ و ادبیات کهن

این مرزوبوم چند هزار ساله است. گویش محلی مازندرانی در درازای تاریخ و سیر حوادث توانسته مقاومت کند و کمتر مورد هجوم و دستخوش تغییر و تحول شود.

این مجموعه از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول نوشتار به چگونگی و لازمه حفظ زبان و نیاز آن می‌پردازد.

بخش دوم برگرفته از تاریخ و ادبیات بزرگان این سرزمین است و نشان‌دهنده همانندی کلمات در این زبان محلی است که بیش از سه هزار سال همچنان در این گویش باقی مانده و در تاریخ ما بطور مشخص نامها و نشانه‌هایی از این کلمات آمده و همچنین در ادبیات بزرگان ما که حدود بیش از هفت قرن از آن گذشته به‌طور روشن بیان شده است که در بعضی از کلمات به‌خاطر مشابهت اسمی و در بعضی دیگر به دلیل یکی بودن معنا و مفهوم.

و بخش آخر عکس‌هایی از نشانه‌ها و نام‌های موردنظر و بعضی از گیاهان، برای روشن شدن معنا و مفهوم مورد اشاره برای خواننده می‌باشد که امید است کمکی باشد برای رسیدن به این منظور.

ابوالقاسم پاشازانوسی